



حجۃ الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی

نخستین کسی که اسلام آورد

بخش دوم

قسمت شانزدهم

سورۃ «یا ایها المدثر» بوده است...

و اما روایات «سبع سنین» یعنی هفت سال - که بیشتر از سایر روایات نقل شده و از نظر سند نیز اعتبار بیشتری هم دارد - شاید منظور از آنها فاصله میان آغاز دعوت رسول خدا (ص) تا فرض نماز واجب بوده، زیرا اختلافی نیست در اینکه نماز در شب معراج فرض شد، و آن شب نیز - چنانچه محمّد بن شهاب زهری گفته - سه سال قبل از هجرت بوده و توقف آنحضرت نیز در مکه ده سال بوده...^۲

نگارنده گوید: آنچه مرحوم علامه امینی فرموده روی این احتمال است که این روایات را حمل بر ظاهر آنها کنیم، و با توجه به روایات دیگری نیز که در این باره آمده است بعید هم نیست که سه سال و یا هفت سال رسول خدا (ص) دعوت خود را آشکار نفرموده و کسی هم جز علی علیه السلام از مردان با آنحضرت نماز نخوانده است، و آنچه مرحوم اربلی از خوارزمی نقل کرده بود استبعادی بیش نیست، و با توجه به روایاتی که ذیلاً میخوانید بمقدار زیادی از این استبعاد هم کاسته خواهد شد و میتواند مورد پذیرش و قبول قرار گیرد.

البته با این توضیح که لفظ «تسع سنین» در یکی دو روایت بیشتر ذکر نشده و در بیشتر روایات لفظ «سبع» ذکر شده که بنظر نگارنده به احتمال قوی، لفظ «تسع» تصحیف همان «سبع» است، و نظیر این تصحیفها در روایات زیاد دیده شده است که بخاطر شباهت دو لفظ در هنگام کتابت - بخصوص با توجه به

۱ - وجه اول - وجهی است که مرحوم علی بن عیسی اربلی در کتاب شریف کشف الغمہ پس از نقل حدیثی در اینباره از زید بن ارقم از خوارزمی نقل کرده که گفته است:

بر فرض صحت این حدیث معنای آن این نیست که قبل از همه مردم، بلکه منظور قبل از مردمانی است که اسلام آنها در سالهای آخر بعثت در مکه انجام گردیده نه آنکه هفت سال قبل از افرادی مانند عبدالرحمن بن عوف و عثمان و سعد بن ابی وقاص و طلحة و زبیر نماز خوانده است، زیرا فاصله میان اسلام آنها و اسلام علی علیه السلام نزد همه سیره نویسان و مورخین به این مقدار نبوده...^۱

ولی برای خواننده محترم این پاسخ قانع کننده نیست، زیرا در بسیاری از این احادیث اینگونه بود که فرموده: «قبل ان یصلی أحد» یا به این تعبیر که «قبل ان یعبده أحد». و پر واضح است که این توجیه با متن اینگونه روایات مخالف است.

۲ - وجه دوم وجهی است که مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر ذکر کرده و فرموده است:

اما روایات «ثلاث سنین» یعنی روایات سه سال شاید منظور فاصله آغاز دعوت تا اظهار دعوت رسول خدا (ص) بوده که بر طبق تواریخ سه سال بوده.

و اما روایات «خمس سنین» یعنی روایات پنج سال نیز شاید منظور همان سه سال نخست به اضافه دو سال فاصله فترت وحی الهی یعنی فاصله میان نزول آیه «اقرأ باسم ربك» و نزول

اینکه خط قدیم خط کوفی بوده و نقطه و اعراب نداشته - با یکدیگر اشتباه شده و به دست کاتبان و استنساخ کنندگان اینگونه اشتباهات رخ میداده، و از اینرو محور بحث همان روایاتی است که لفظ «سبع» در آنها آمده، و اکنون برای تأیید گفتار فوق به حدیثهای زیر توجه کنید:

الف - ابن شهر آشوب (ره) از تفسیر قطان - یکی از تفاسیر اهل سنت - از ابن مسعود روایت کرده که در تفسیر آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ»^۲ گفته است:

«فكان اول من قال ذلك عليّ عليه السلام وانه صلى قبل الناس كلهم سبع سنين واشهراً مع النبي، وصلى مع المسلمين اربع عشرة سنة وبعد النبي ثلاثين سنة»^۱

- یعنی علی علیه السلام نخستین کسی بود که این ذکر را گفت، و او کسی بود که هفت سال و چند ماه پیش از همة مردم با پیغمبر نماز خواند، و با مسلمانان نیز چهارده سال نماز گذارد و پس از رسول خدا (ص) نیز سی سال نماز خواند که اگر عمر آنحضرت در هنگام شهادت ۶۳ سال باشد - همانگونه که مشهور است، در هنگام بعثت رسول خدا (ص) دوازده ساله بوده، که این نیز حدّ وسط روایاتی است که در اینباره رسیده، چنانچه در صفحات آینده روی آن تحقیق خواهیم کرد - انشاء الله تعالی -
و همین عالم بزرگوار - یعنی مرحوم ابن شهر آشوب - در قسمت دیگری از گفتار خود فرموده:

«وهو اول من صلى الفلّتين، صلى الى بيت المقدس اربع عشرة سنة...»
و پس از چند سطر گوید:

«... وصلى الى الكعبة تسعاً وثلاثين سنة...»^۵

که از نظر جمع بندی سالهای عمر آنحضرت، با روایت فوق تقریباً یکسان است.

ب - حدیث دیگر، حدیث کتاب احتجاج طبرسی است که در بحار الانوار از آن کتاب نقل شده که بسند خود از امام حسن عسکری علیه السلام از پدران او از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«... كنت اول الناس اسلاماً، بعث يوم الاثنين، و صليت معه يوم الثلاثاء، و بقيت معه احدى سبعة سنين حتى دخل نجران في الاسلام...»^۶

یعنی - من نخستین مسلمان بودم که آنحضرت روز دوشنبه مبعوث شد و من روز سه شنبه با او نماز خواندم و هم چنان هفت سال با او بودم و نماز

مخواندم تا آنگاه که افرادی به اسلام گرویدند.

ج - در کتاب مناقب ابن شهر آشوب از مروان و عبدالرحمان تمیمی روایت کرده که گفته اند:

«مكث الاسلام سبع سنين ليس فيه الا ثلاثة: رسول الله و خديجة و علي»^۷
- بر اسلام هفت سال گذشت که جز سه نفر دیگری در این آئین نبود: رسول خدا و خدیجه و علی

د - و از کتاب ابن مردویه اصفهانی و مظفر سمعانی و امالی سهل بن عبدالله مروزی از ابی ذر غفاری روایت کرده که گفت:
رسول خدا (ص) فرمود:

«ان الملائكة صلت علي و علي سب سنين قبل ان يسلم بشر»^۸

- فرشتگان هفت سال بر من و علی درود فرستادند پیش از آنکه بشری مسلمان شود.

ه - ابن مغازلی شافعی در کتاب مناقب خود بسندش از ابی ایوب انصاری از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود:

«صلى الملائكة علي و علي سب سنين و ذلك انه لم يصل همي احد غيره»^۹

- فرشتگان هفت سال بر من و علی درود فرستادند، چون غیر از او کسی با من نماز نمی گذارد.

و - و نیز بسندش از انس بن مالک از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود:

«صلى الملائكة علي و علي سباً، و ذلك انه لم يرفع الي السماء شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله الا مني»^{۱۰}

و منته - فرشتگان هفت سال بر من و علی درود فرستادند چون شهادتین جز از من و از او بسوی آسمان بالا نرفت.

ز - و در بحار الانوار از کتاب الفصول المختارة شیخ مفید (ره) نقل کرده که بسند خود از عبایة اسدی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت نموده که فرمود:

«لقد اسلمت قبل الناس بسبع سنين»^{۱۱}

- براستی که هفت سال پیش از مردم مسلمان شدم.

و امثال اینگونه روایات که با تحقیق و تتبع در کتابهای سیره و تاریخ نمونه های دیگری هم نظیر آنها دیده میشود، و با ضمیمه روایاتی همچون روایت طبری که از ابن اسحاق روایت کرده و در صفحات آینده خواهید خواند که گوید:

«كان رسول الله (ص) اذا حضرت الصلاة خرج الى شعاب مكة و خرج

معہ علی بن ابیطالب مستخفياً من عتہ ابی طالب ومن جمیع اعدامہ وسائر قوہ
فیصلان الصلوات فیہا فاذا امیاً رجعا فمکتا کذلک ماشاء اللہ ان یمکتا»^{۱۲}

این نظریه تأیید و تقویت می شود که سالها از بعثت رسول خدا(ص) و رسالت آنحضرت گذشت تا آنحضرت مأمور به انذار عشیره و نزدیکان گردید، و پس از آن نیز سالها گذشت که مأمور به ابلاغ رسالت و نبوت خویش به دیگران گردید و تدریجاً افرادی به آنحضرت ایمان آوردند، که طبق این روایات این ماجرا هفت سال طول کشید، و استبعاد هم در این مورد بی جا است، و منشأی جزئی اطلاعی از تاریخ صدر اسلام ندارد.

۳- سومین وجهی که در خلال گفتار مرحوم علامه امینی هم بدان اشاره شده و بصورت احتمال و بطور اختصار ذکر شده، و بنظر نگارنده و با توضیحی که ذیلاً خواهد آمد شاید بی اشکال ترین وجه باشد، این است که منظور آنحضرت سالهای قبل از بعثت بوده نه بعد از بعثت رسول خدا(ص) و این وجهی است که برخی از دانشمندان اهل سنت نیز آنرا ذکر کرده و اختیار نموده اند که از آنجمله ابن ابی الحدید از استاد خود ابو جعفر اسکافی (از علمای بغداد در قرن سوم و متوفای سال ۲۴۰) نقل می کند که در پاسخ جاحظ - در ضمن بحثی طولانی که میان آندورده و بدل شده - گفته است:

اینکه در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که فرموده: «هن هفت سال پیش از همه مردم نماز خواندم» منظور آنحضرت فاصله میان هشت سالگی و پانزده سالگی آنحضرت است - یعنی روزی که رسول خدا(ص) علی علیه السلام را بخاطر قحطی و خشکسالی که پیش آمده بود از پدرش ابوطالب باز گرفته و بخانه خود برد که در آنوقت هشت سال از عمر علی علیه السلام گذشته

بود، و پانزده سالگی آنحضرت یعنی روزی که جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و رسالت الهی را بر آنحضرت فرود آورد^{۱۳} - که در این فاصله نه دعوتی بود و نه رسالتی و نه ادعای نبوتی، بلکه در این مدت رسول خدا(ص) عبادت الهی را بر طبق آئین ابراهیم و دین حنیف انجام میداد و از مردم کناره گرفته و به اعتکاف و عبادت روزگار میگذرانید و گاه در کوه حرا به اعتکاف میرفت، و علی علیه السلام همه جا مانند پیروی علاقمند و شاگردی از شاگردان به همراه او بود، تا آنگاه که به سن پانزده سالگی و مرحله بلوغ رسید، و فرشته وحی بر رسول خدا(ص) نازل شده و رسالت الهی را به آنحضرت ابلاغ نمود و رسول خدا(ص) علی را به اسلام دعوت نمود و او نیز از روی تفکر و اندیشه پذیرفت^{۱۴}.

ادامه دارد

- ۱- بحار الانوار ج ۳۸ ص ۲۴۵ نقل از کشف الغمہ
- ۲- الغدير ج ۳ ص ۲۴۱-۲۴۳
- ۳- سوره واقعه آیه ۷۴
- ۴- مناقب ج ۱ ص ۲۴۹
- ۵- مناقب ج ۱ ص ۲۵۰
- ۶- بحار الانوار ج ۳۸ ص ۲۰۹
- ۷- مناقب آل ابیطالب ج ۱ ص ۲۴۳
- ۸ و ۹- مناقب ابن مغزلی ص ۱۴
- ۱۰- بحار الانوار ج ۳۸ ص ۲۶۸
- ۱۱- تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۱۴
- ۱۲- این نظریه ابو جعفر اسکافی در این باب است که عقیده داشته علی علیه السلام در هنگام بعثت رسول خدا(ص) پانزده ساله بوده و اقوال دیگری هم در این باره در گفتار دانشمندان شیعه و اهل سنت دیده می شود که انشاء الله در پایان این بحث خواهد آمد.
- ۱۳- شرح ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۴۸

نشانه های تیره بختی

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

«مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ وَشِدَّةُ الْحَرْصِ فِي ظَلَبِ الدُّنْيَا

وَالْإِضْرَارُ عَلَى الدَّنْبِ.»

(اصول کافی - جلد ۲ - ص ۲۹۰)

خشکی چشم، قساوت و سنگدلی، بسیاری حرص و آزر در

طلب دنیا و پافشاری برگناه از نشانه های شقاوت و تیره بختی است.